

استفراغ
بر رویه

ویکتور هوگو نویسنده رمانتیک نام آور فرانسوی است. تاریخ تولد او را ۲۶ فوریه ۱۸۰۲ ذکر کرده اند. ویکتور هوگو در ادبیات فرانسه و در مکتب رمانتیسم جایگاه خاصی دارد. از آثار معروف هوگو می توان، *بینوایان*، *داستان کارگران دریا*، *رمان کوژ پشت نوتردام* و کتاب معروف *نوبوسه* را نام برد. اساساً

هوگو و رمانتیسم

■ حمیدرضا احمدی

■ ویکتور هوگو برجسته ترین

چهره ادبیات رمانتیک

دوره سوم است.

نثر زیبا

و توان عجیب او

در بکارگیری

قابلیت های ادبی زبان

فرانسه، روح حماسی و

انسانی آثار او و

شخصیت سازی

جذابی که در

برخی نوشته های او

وجود دارد،

از او موفقترین چهره

دوره سوم رمانتیک را می آفریند.

تاریخ ادبیات رمانتیک فرانسه را می توان تا زمان ژان ژاک روسو به عقب برد؛ یعنی زمانی که *نوول ملونیز روسو* نوشته می شد و نوعی احساسات گرایی و توجه به عاطفه و عشق ناسوتی و جسمانی در ادبیات، جلوه ای بارز و محوری پیدا می کرد. اگر تاریخ رمانتیسم ادبی را تا زمان روسو عقب ببریم، می توانیم سه دوره اساسی را برای آن مشخص کنیم: یکی دوره 'تکوین و آغاز'، دوره ای که روسو نماینده آنست و کتاب *پل و ورژینی* اثر برناردو سن پیر جلوه آن می باشد. دوم مرحله 'گسترش و بسط رمانتیسم که دوران شاتوبریان، دوران ظهور لامارتین و آلفرد موسه است و دوره ای است که

آثاری مثل *رنه*، *آتالا*، *سنگ تراش سن پوآن* و *گرازبلا منتشر می شود*. سالهای اواسط قرن نوزدهم و دهه های سی و چهل و پنجاه قرن نوزدهم را باید سالهای پایانی رمانتیسم در ادبیات فرانسه و ظهور و آغاز رئالیسم دانست.

اگر بخواهیم خصایص این سه دوره را تقسیم بندی کنیم، این گونه می توان گفت: دوران تکوین دورانی است که عناصر اصلی سازنده 'تفکر رمانتیک به صورت نطفه ای و اجمالی وجود دارد. نوعی بازگشت به طبیعت، نوعی همدلی با روستا و نوستالوژی نسبت به گذشته و توجه به عشقهای ناسوتی که در عین حال مایه های افلاطونی دارد، دیده می شود و می توان گفت عناصر سازنده ادبیات رمانتیک بسیار نپخته، کم رنگ و خام هستند و آثار ادبی ارائه شده هنوز قالب داستانی قوی و نیرومندی پیدا نکرده اند و اطلاق رمان بر آن ها چندان بجا نمی تواند باشد. مرحله 'دوم مرحله ای است که یک سانتیمانتالیسم، احساسات گرایی شور و هیجان و حس گرایی شدیدی بارز است و همه ویژگیهای ادبیات رمانتیک، خود را نمایان می کنند. اما ادبیات رمانتیک مرحله 'دوم، اشرافیست. کار چندانانی به مسائل اجتماعی و موضع انتقادی ندارد و از نظر سیاسی عمدتاً سلطنت طلب است؛ یعنی در نقطه مقابل جمهوری خواهان و انقلابیون قرار دارد و نمایندگان اصلی آن به لحاظ سیاسی همدست سلطنت های فرانسه هستند. مانند شاتوبریان که ارتباط نزدیکی با خانواده بورگونها دارد و با انقلابیون مخالف است و زمانی که انقلاب صورت

می گیرد، به کشور امریکا می رود، در زمان ناپلئون با او همیشه در مخالفت بوده و با بازگشت بورگونها به سلطنت فرانسه، دوباره وارد عرصه سیاست می شود. لامارتین هم به همین صورت است. او بعد از انقلاب ۱۸۴۸ در انتخاب ریاست جمهوری شرکت می کند و موضع محافظه کارانه ای می گیرد و مواضع او در مقابل انقلابیون و رادیکالهای آن زمان اروپا قرار دارد.

رمانتیسم ادبی در مرحله 'دوم به اوج خود می رسد. تمامی عناصر اصلی و ذاتی خودش را از قوه به فعل درمی آورد و آثار اصلی خود را در قالب شعر و نثر ظاهر می کند. در آثار ادبی رمانتیسم مرحله 'دوم، ما با آدمهای سودا زده، پریشان حال، افسرده دل و عاشق پیشه روبرو هستیم آدمهایی که از

نیازهای مالی و مشکلات معیشتی فراغت کامل دارند و بی‌نیاز از اینها صرفاً در بند گرفتاری‌های احساساتی و سانتیمانتالیستی هستند. در آثار این دوره توصیف چندان از حیات اجتماعی، روحیات عمومی، زندگی مردم، رنجها، اصطکاک‌های اجتماعی و فقر و نابسامانی دیده نمی‌شود. ستایش روستا، نوستالوژی نسبت به گذشته و تقدیس طبیعت پاک عناصری است که در این آثار برجسته به روشنی دیده می‌شود. اما رمانتیسیم در مرحله سوم ادبی، دورانی است که در واقع یک صیغه و ویژگی اجتماعی پیدا می‌کند و با مسائل اجتماعی مرتبط می‌شود و نسبت به وقایع سیاسی و اجتماعی حساس می‌گردد. قهرمانان آثار رمانتیک این دوره، کمتر مانند شخصیت‌های دوره دوم نسبت به گذشته نوستالوژی دارند یا سرگشته و سودایی و پریشان حال هستند. اینها آدم‌های عینی و ملموس‌تری هستند. طبیعی است که نوعی نگرش مطلق‌گرایانه رمانتیک وجود دارد و اینها را مطلقاً پاک می‌داند و هنوز طبیعت صاف و ساده و بی‌آلایش به عنوان یک ارزش مطرح می‌شود. اما شخصیت‌هایی که در آثار دوره سوم رمانتیسیم مطرح می‌شوند، در زندگی عینی و اجتماعی درگیر هستند. فقر و بی‌عدالتی و نابرابری را می‌بینند. انقلابها را حس می‌کنند و حتی با آن همدردی نشان می‌دهند. در اعتراض‌های اجتماعی شریک و سهیم می‌شوند و شخصیتی ژمینی‌تری، عینی‌تر، ملموس‌تر و کاراگری ادبی‌تر پیدا می‌کنند. رمانتیسیم این دوره به لحاظ سیاسی چندان محافظه‌کار نیست. خیلی گرایش سلطنت‌طلبانه ندارد و همدردی آن با انقلابیون و انقلاب‌ها زیاد است.

آثار ادبی رمانتیسیم این دوره به معنا و قالب رمان بسیار نزدیک‌ترند و گرایش‌ها و رگه‌های رئالیستی قوی در آنها دیده می‌شود. به عنوان مثال، بینوایان و ویکتور هوگو رگه‌های نیرومند رئالیستی دارد؛ رگه‌هایی که به هیچ وجه در گرازیلا و رافائل لامارتین دیده نمی‌شود. کتاب کارگران دریا گرایش‌های قدرتمند انتقادی و اجتماعی دارد که این گرایش‌ها را ما در آثار شاتوبریان نمی‌بینیم. به لحاظ ساختار ادبی هم ساختارهای داستان‌های ویکتور هوگو بسیار به تعریفی که بطور کلاسیک از رمان داریم، نزدیک‌ترند. هرچند که هنوز شخصیت‌پردازی رمانتیک، شخصیت‌پردازی مطلق است و ما در آثار هوگو با شخصی‌مانند ژان والزان و روبرو

می‌شویم که مطلقاً خوب است و یا فرد دیگری را در مقابل او مظهر مطلق شر و بدی می‌بینیم. اما پیوند با زندگی اجتماعی و حوادث، عینی و تجربی شدن و جزئی شدن پدیده‌ها و حوادث و منطق درونی حوادث در آثار رمانتیک دوره سوم بسیار بیشتر و برجسته شده است. بنابراین شاید بتوان رمانتیسیم دوره سوم را پل انتقالی از رمانتیسیم به رئالیسم دانست. ویکتور هوگو برجسته‌ترین چهره ادبیات رمانتیک دوره سوم است. نشر زیبا و توان عجیب او در بکارگیری قابلیت‌های ادبی زبان فرانسه روح حماسی و انسانی آثار او و شخصیت‌سازی جذابی که در برخی نوشته‌های او وجود دارد، از او موفق‌ترین چهره دوره سوم رمانتیک را می‌آفریند.

برای اینکه تفاوت نگرش رمانتیک مرحله سوم را با رمانتیسیم دوران اوج، یعنی رمانتیسیم شاتوبریان و لامارتینی، در نظر بگیریم، خوب است که به کتاب گوز پست نوتردام رجوع کنیم. تصویری که هوگو از قرون وسطی در گوز پست نوتردام ارائه می‌دهد، اگرچه عناصری از باورهای رمانتیک را در خودش دارد و سیمای قرون وسطی - آنگونه که رمانتیک‌ها آن را می‌بینند - در آن مشهود است. اما از جهات زیادی اعتراضات مدرن و انتقادات اجتماعی نسبت به قرون وسطی و مظلالم کشیش‌ها و شکنجه و آزار و خرافه‌پرستی در گوز پست نوتردام دیده می‌شود که این از شاخص‌های رمانتیسیم هوگوست و در دیگر آثار رمانتیک‌ها تمییز می‌شود. چون در دیگر آثار رمانتیک‌ها، قرون وسطی صورتی آرمانی و ایده‌آل پیدا می‌کند و در ارتباط با آن صرفاً نحوی نوستالوژی و دلنگی دیده می‌شود و حیات اجتماعی و زندگی عینی قرون وسطی و جنبه‌های منفی رنجها و آزارهای آن مطرح نمی‌شود.

در سال ۱۸۳۴، هوگو کتاب کلودولگر را می‌نویسد. این کتاب یکی دیگر از کتاب‌هایی است که ویژگی‌های خاص رمانتیسیم هوگو را نشان می‌دهد. هوگو در این کتاب به رفتارهای غیرانسانی‌ای که در زندانها وجود دارد، اعتراض می‌کند. این کتاب رگه‌های نیرومند رئالیستی دارد. اگرچه آن را نمی‌توان اثری تماماً رئالیستی، مانند آثار رئالیستی بالزاک، دانست. هنوز شخصیت‌پردازی‌ها تا حدود زیادی مطلق است. هنوز سفید و سیاه دیدن آدم‌ها و حوادث وجود دارد. هنوز هم اعتقاد

به طبیعت پاک و بی‌آلایش که از ارکان تفکر رمانتیک است، وجود دارد. اما صیغه اجتماعی و معترض داستان بسیار پررنگ است. این ارتباط گرفتن با مسائل اجتماعی و اعتراضی، در اندیشه سیاسی هوگو هم تا حدودی وجود داشته. اگرچه هوگو در حیات سیاسی خودش بیشتر در قالب یک فرد طرفدار خانواده سلطنتی اورلئان ظاهر می‌شود و حتی بعد از وقوع انقلاب ۱۸۴۸ و سرنگونی سلطنت فیلیپ، هنوز از بازگشت خانواده اورلئان به سلطنت قطع امید نمی‌کند، اما با این وجود طرفداری او از سلطنت کمتر از نویسندگان رمانتیک دیگر محافظه‌کارانه و از جهاتی تقریباً لیبرال منشانه است.

بینوایان نام معروف‌ترین رمان ویکتور هوگوست که در سال ۱۸۶۲ منتشر شد و به سرعت شهرتی جهانی پیدا کرد. بینوایان را می‌توانیم نشانه پختگی نثر و دیدگاه‌های ادبی و توان هنری هوگو بدانیم. در بینوایان تمامی شاخص‌های رمانتیسیم هوگو ظاهر شده‌اند. او در بینوایان نویسنده‌ای آرمانگرا و انسان‌دوست است؛ نویسنده‌ای که به طبیعت پاک بشری معتقد است؛ نویسنده‌ای که گرایش‌های سانتیمانتالیستی و حس‌گرایانه رمانتیک را کاملاً ظاهر می‌کند و نشان می‌دهد و در عین حال قساوت اجتماعی، مظلالم و بیادگری‌های جامعه در حال تکوین صنعتی و تمدن بورژوازی را بیان می‌کند. هوگو در بینوایان به آریستوکرات‌ها و به اشراف و به طبقات مرفه جامعه تا حدودی و از جهاتی بدبین است و روابط ریاکارانه و ناعادلانه‌ای را که در قالب ظواهر قانونی در حیات اجتماعی جامعه قرار دارد، نشان می‌دهد. شاید بیشترین چیزی که در بینوایان هدف حمله قرار گرفته، قساوت و بی‌رحمی ضدانسانی است.

عده‌ای معتقدند که، از بینوایان این‌طور می‌توان نتیجه گرفت که هوگو امیدش را نه به آریستوکرات‌ها نه به بورژواها، بلکه به توده مردم بسته است و آنها را به طبع بشری و حقیقت بشری نزدیک‌تر می‌بیند و نجات جامعه بشری را در تلاش آنها می‌داند و می‌بیند. این گرایش به توده و اینکه انسان فقیر و بی‌چیز و توده‌را نماینده طبیعت پاک بشری بدانیم، ویژگی‌ای است که در رمان دیگر ویکتور هوگو که کارگران دریا نام دارد، آشکار می‌شود. البته ناگفته نماند که در رمان کارگران دریا مضامین و مایه‌های دیگری که

شوپنهاور در یک نگاه

مجید محمد پور میر



آرتور شوپنهاور را نمی توان در زمره فیلسوفان دستگاه ساز و جامع الاطراف چون هگل یا ارسطو محسوب نمود؛ اگر فلسفه را در معنای باستانی و سنتی آن منظور کنیم شاید نتوان حتی او را فیلسوف دانست. اما بهرحال وی از چهره های جانب توجه و تاثیرگذار در سیر تفکر غربی است. شوپنهاور را می توان فیلسوف یاس و بدبختی دانست. او اعتقاد داشت که ماهیت زندگی، شر است و نوعی کشش غریزی یا شبه غریزی به نام «اراده» انسانها را علقمند و نیازمند تداوم پروسه زندگی می کند و این کار را از طریق ایجاد تصویری وهمی از عالم در ذهن انسانها انجام می دهد. شوپنهاور این تصویر وهمی را که توسط «اراده» ایجاد می شود «نمایش»

رمانتیسم هوگو رمانتیسم اعتراضی و انتقادیست و تا حدودی با انقلاب ها به نحوی همدردی دارد.

رمانتیسم هوگو نسبت به بی عدالتی، فقر و نابرابری بی تفاوت نیست و کمتر از رمانتیسم شاتوبریان و لامارتین، اشراف منش و آریستوکراتیک است قهرمانان آثار هوگو به کاراکتریک شخصیت ادبی به معنای رئالیستی آن نزدیک ترند.

ارزشهای مطلق اخلاقی و انسانی در آثار هوگو طرح و ستایش می شوند و شقاوت و سنگدلی مورد نکوهش قرار می گیرند.

نوعی روح مذهبی در برخی از آثار هوگو حضور دارد. مذهبی که مذهب سنتی قرون وسطای مسیحی نیست. نحوی تفسیر فردی از یک مذهب مدرن است که با مایه های تفکر رمانتیک آمیخته شده است.

هوگو نسبت به تمدن بورژوازی معاصر خودش معترض است. او در این اعتراضات هم با آریستوکرات ها همسوست و هم با جریانات انقلابی. اگرچه همسویی او به لحاظ سیاسی، بیشتر با گرایشهای محافظه کارانه و آریستوکراتیک است تا با جریانات پیشرو و رادیکال اجتماعی. اما در نهایت هوگو به ادبیات بورژوازی و تمدن جدید تعلق دارد. آنجایی که هوگو ارزشهای فراقومی و ارزشهای کلی انسانی و اخلاقی و فطری و جهانی و ماورایی را مطرح می کند، به آثار خود پایداری و دوام می بخشد و سخن او سخنی برای همه نسلها و عصرها می شود؛ اما در آنجایی که هوگو اسیر تمدن بورژوازی و امکانات و ظرفیتهای جامعه غربی باقی می ماند، سخن او رنگ و حال و هوای زمانه را می گیرد و فناپذیر می گردد. آنچه بینوایان را به یک اثر جاودانه، جذاب و ماندنی تبدیل می کند، حضور گسترده عناصر کلی، ماورایی، اخلاقی، انسانی و جهانی بشری است. واقعیت اینست که اگر از قالب صرف ادبی نگاه کنیم، بینوایان و دیگر آثار هوگو حلقه ای در زنجیره تکامل صورت ادبی رمان غربی هستند و صورتهای متکامل تر و پیچیده تر و رئالیستی تر بسیاری را می توان در تاریخ ادبیات جدید غرب برشمرد. اما از وجه اخلاقی و انسانی و تجسم یک روح حماسی بینوایان اثری بی نظیر و ماندنی است. بینوایان یک اثر تماماً رمانتیک است که رمانتیسم آن با رمانتیسم پیشین خودش، یعنی رمانتیسم شاتوبریان و لامارتین بسیار متفاوت است.

به نحوی مذهبی یا شبه مذهبی و معنوی است به چشم می خورد. در عین حال که به نحوی مایه های عشقی و جنسی در کتاب وجود دارد.

کتاب نودوسه آخرین رمان هوگو مبتنی بر انقلاب سال ۱۷۸۹ - ۱۷۹۳ فرانسه است. این داستان در سال ۱۸۷۴ منتشر شده و شاید سیاسی ترین کتاب هوگو باشد. هوگو در این کتاب سلطنت فنودالی را نفی می کند. به بیدادگری اجتماعی و امتیازات موروثی اشرافی می تازد. اما در عین حال نسبت به ژاکوبینیسم انقلابی هم منتقد و معترض است. ژاکوبینیسم، گرایش افراطی در انقلاب فرانسه بود که در قالب اعمال و رفتار روبسپیر ظاهر شد و در فاصله سالهای ۱۷۹۳ تا ۹۴ بر جریان انقلاب فرانسه حاکم شد. هوگو معتقد است که ژاکوبین ها افراطی و نرمش ناپذیر بودند و از خشونت آنها انتقاد می کند و به آرمانی مردمی تر، انعطاف پذیرتر و مهرآمیزتر معتقد است.

در واقع هوگو در جستجوی راه دیگری مابین سلطنت و ژاکوبینیسم می گردد. وی معتقد است که اگر به توده مردم اجازه دهیم، دنیایی می آفرینند و می توانند از پله های نردبانی بالا بروند و نهایتاً به خدا برسند.

هوگو شعر نیمه تمامی دارد که در سال ۱۸۹۱ منتشر شده. در این شعر معانی مذهبی و توجه به تفکر مذهبی به نحوی برجسته دیده می شود. هوگو در این شعر چونان قهرمانی جلوه می کند که در طلب خدا مراحل و مراتب تکامل معنوی را طی می کند. در این شعر به خوبی می توان روح رمانتیک او را حس کرد و دید. ویژگی مذهبی این شعر ویژگی مذهب قرون وسطایی نیست، بلکه یک مذهب مدرن رمانتیک است که البته با حقیقت تفکر دینی بی نسبت نیست؛ اما عین حقیقت دین و عین حقیقت مذهب هم نیست. در واقع نحوی مذهب فردی است و نماینده و تجلی ظهور فردگرایی مذهبی است که از شاخص های تفکر مدرن است. در یک کلام درباره هوگو می توان گفت: هوگو نویسنده ای رمانتیک است، اما با اسلاف رمانتیک خودش تفاوت اساسی و چشم گیری دارد. این تفاوت ها را می توان فهرست وار این چنین بیان کرد.

آثار ادبی هوگو به واقعیت رمان و تعریف آن نزدیک ترند.

در رمانتیسم هوگو حضور عوامل اجتماعی پررنگ تر است.